

توافق نامه استانبول: مبارزه با خشونت یا جنگ علیه اسلام؟

(ترجمه)

کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیش گیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانوادگی یا کنوانسیون استانبول توافقی است که تمدن اسلامی ما را هدف قرار داده اگرچه ظاهر آن مبارزه با خشونت علیه زنان است، اما هسته اصلی آن زدن احکام شرعی مربوط به زنان در اقدامی جسورانه و مصمم برای تخریب و از بین بردن خانواده مسلمان و خلع حیای زنان به صورت ناخودآگاه می باشد، چنان که کوندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا اظهار داشت.

این توافق نامه در نوع خود اولین نبوده و از موارد قبلی جدا نیست؛ اگرچه وضع کننده آن شورای اروپا بوده و توسط سازمان ملل تهیه نشده است، اما در مقدمه خود رعایت موافقت نامه های بین المللی مورد حمایت سازمان ملل را ذکر می کند، مانند:

- کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1966)؛
- کنوانسیون سازمان ملل برای پایان بخشیدن همه اشکال تبعیض علیه زنان "سیداو" (1979) و پروتکل اختیاری آن (1999) و هم چنین توصیه عمومی شماره 19 کمیته سیداو در مورد خشونت علیه زنان؛
- کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل (1989) و پروتکل های اختیاری آن (2000) و سایر موارد...

برای نشان دادن خطر این توافق نامه بر ارزش ها و اخلاق اسلامی ما، فقط برخی از نکات ذکر شده در مقدمه را تجزیه، تحلیل و نقد می کنم از جمله:

1- "تشخیص این که تحقق مساوات بین زن و مرد در قانون و در واقع، یک عنصر اساسی در جلوگیری از خشونت علیه زنان است"

در این جا می بینیم که این کنوانسیون در مقدمه خود موضوع مساوات را به حمایت از زنان در برابر خشونت پیوند می دهد، گویا عدم مساوات به طور خودکار به معنای خشونت علیه زنان است! این یک مغالطه و سوء استفاده از حقیقت و واقعیت است، بلکه حمله صریح به شریعت اسلام می باشد که بر ارزش عدالت بین زن و مرد استوار است. به عنوان مثال: هنگامی که الله سبحانه و تعالی اختلاط زنان با مردان را در مکان های خصوصی منع می کند، یا عقد ازدواج را به دست مرد و نه زن می گذارد، یا قیمومیت زندگی را برای مرد قرار می دهد، بنابر این از لحاظ شرعی او رئیس خانواده است؛ نه زن. هنگامی که ازدواج با باکره را بدون اجازه سرپرست او ممنوع قرار داده، هنگامی که سفر بدون محرم را ممنوع نموده و هنگامی که مرد بودن را در امامت نماز یا تصدیق مناصب دولتی شرط می کند، تمام این احکام شرعی در کنوانسیون به عنوان تبعیض علیه زنان و عدم مساوات بین زن و مرد شمرده می شود. بناءً بر اساس فهم آن ها، این احکام اسلامی منجر به ایجاد یک پرورش گاه فردی و اجتماعی می شود که دیدگاه فروماپه ای نسبت به زنان را تقویت می کند و ارزش آن ها را کاهش می دهد و در آینده جامعه به ویژه مردان را تربیت می کند که زنان را به عنوان فردی با درجه کمتر از خود ببینند، که منجر به سهولت حمله به حیثیت زنان می شود و ضرب و شتم او را یک امر طبیعی و مشروع می شمارد و این را حق خود می شمارد که دین به او موقعیتی برتر نسبت به زنان داده باشد، البته این همان برداشت سکولاران از

ادیان به طور کلی و به ویژه از اسلام است. آن‌ها احکام الله سبحانه و تعالی را که مربوط به مرد بدون زن یا مربوط به زن بدون مرد است چنان تفسیر می‌کنند که گویا تبعیضی بوده که فرهنگ خشونت و توهین به زنان را به وجود می‌آورد.

2- "تشخیص این که خشونت علیه زنان تعادل نابرابر تاریخی بین زنان و مردان را نشان می‌دهد، که منجر به تسلط مردان بر زنان و تبعیض علیه آن‌ها می‌شود و زنان را از آزادی کامل محروم می‌کند"

این نکته موارد فوق را تأیید کرده و رابطه مردان و زنان را فقط در حیطه درگیری و نزاع محدود می‌کند، یعنی بیشتر مفاهیم و مقدمات آن مبتنی بر دیدگاهی است که می‌بیند یک رقابت تاریخی بین زن و مرد وجود دارد و یک پیروزی تاریخی برای مرد بر علیه زن موجود است. اصطلاح "تاریخی" در این جا به تمام فرهنگ‌ها و ادیان اشاره دارد؛ به عنوان مثال: در مورد سرزمین‌های اسلامی، منظور از توازن قوا از نظر تاریخی: احکام اسلام است، همان طور که عبدالمجید الشرفی در کتاب خود (الاسلام و الحدائث) "اسلام و مدرنیته"، ص 225، ذکر می‌کند: «افکار شایعه در مورد وضعیت نادرست زنان در (جوامع) اسلامی به طور کلی و (جوامع) عربی به طور خاص، به آموزه‌ها و احکام خاص اسلام باز می‌گردد که سهم آن را در زندگی اجتماعی مختل کرده و آن را تحت اختیار یک مرد، خواه پدر یا شوهر در خانه حبس نموده تا وسیله بهره‌گیری، زاد و ولد و خدمت باشد.»

این همان برداشت "آدونیس" در کتابش تحت نام "ثابت و متحول" است؛ اشاره بر این دارد که اسلام در واقع زنان را از بسیاری از محدودیت‌های اجتماعی و انسانی رها کرده است، با این تفاوت که ماهیت نگاه به آن‌ها را تغییر نداد. بنابراین، این دیدگاه فرومایه ادامه آن بینشی است که در جامعه قبل از اسلام وجود داشته است.

آنچه مستشرق آدونیس یا عبدالمجید الشرفی می‌گوید چیزی جز انعکاس سخنان اندیشمندان سکولار در غرب نیست، زیرا دیدگاه همه آن‌ها اینست که میزان نامتعادل تاریخی بین زن و مرد عمدتاً ناشی از دین، آداب و رسوم، فرهنگ و اقدامات اجتماعی تاریخی است که ریشه در حقارت زنان و برده داری آن‌ها دارد.

بر این اساس فاسد، توافق نامه استانبول بنا شده است، که نخبگان سیاسی و اکادمی در تونس می‌خواهند آن را تصویب کنند تا مفاهیم سکولار در جامعه را از طریق استفاده از خشونت علیه زنان به عنوان جبهه‌ای برای عبور از یک ایدئولوژی فمینیستی افراطی بیشتر محصور کنند، و بدتر از آن ایدئولوژی جامعه همجنس‌گرایان یا آنچه غربی‌ها به آن اشاره می‌کنند، انجمن "LGPT".

3- "تشخیص این که ماهیت ساختاری خشونت علیه زنان بر اساس جنسیت است و خشونت علیه زنان یکی از برنامه‌های است که به موجب آن زنان در موقعیت اجتماعی و سیاسی، تابع مردان نگهداشته می‌شوند."

کنوانسیون استانبول ماهیت خشونت علیه زنان چه در خانه توسط شوهر، برادر یا پدر و چه به طور کلی در حوزه مردانه صورت می‌گیرد نتیجه افکار و نفسیه موجود نزد مردان می‌داند. وقتی او زن را مورد خشونت قرار می‌دهد، دلیلش این است که مرد باور دارد که زن به غیر از این طریق به روش دیگری نمی‌فهمد! سکولارها مثالی از یک جمله مشهور عامیانه به ما می‌دهند که "زنان فقط با کتک خوردن می‌فهمند"، به این معنی که اندیشه مردان در جامعه ما مبتنی بر این واقعیت است که تنها راه گفتگو و ارتباط با جنس مخالف، یعنی زن، خشونت است تا طبق خواسته‌های مرد راست گردد، و این مفهوم انحرافی بسیار خطرناک است زیرا

دروازه درگیری و نزاع بین زن و مرد را باز می‌کند؛ چه در خانواده و چه در زندگی عمومی، اتفاق مسلمانان را دشوار کرده و جماعت مسلمانان را پراکنده نموده و همکاری زنان و مردان را در زندگی عمومی از بین خواهد برد.

علاوه بر این، این یک دروغ محض و جعلی است که چشم خود را بر روی یکی از اصلی‌ترین دلایل خشونت می‌بندد و به آن اشاره نمی‌کنند و آن عبارت از گسترش مواد مخدر و مشروبات الکلی است. به برکت نظام‌های سرمایه‌داری منفعت طلب که از مشروبات الکلی مالیات می‌گیرند.

مواد مخدر و شراب ویژگی عقل را از انسان زایل می‌کند و از عدالت اسلام است که برای نوشنده شراب حد شلاق وضع نموده تا او را آگاه نماید از تأثیرات خطرناک ناشی از شیوع شراب در جامعه انسانی که او سبب آن می‌شود و از طرفی دیگر حکم الله سبحانه و تعالی است که او سبحانه و تعالی اعمال نیک یک مسلمان را که شراب بنوشد مورد حساب قرار نمی‌دهد و فروش، خرید، اجاره و طلاق وی را نمی‌پذیرد و همه آن‌ها باطل هستند. زیرا نوشنده شراب شخصی است که ویژگی عقل او به طور موقت از بین رفته است و بنابر این فرد در حالی که تحت تأثیر مواد مخدر یا مشروبات الکلی باشد، بدون اراده واقعی بوده و هر نوع خشونت را انجام می‌دهد؛ زیرا عقل وی وجود ندارد. بنابر این، اسلام به ما می‌آموزد که انسان به طور عام و مرد به طور خاص اگر در وضعیت هوشیاری باشد و افسار عقل خود را داشته باشد، به صورت فطری مرتکب عمل مضر نمی‌شود؛ مگر کسانی که از حق منحرف می‌شوند و از فطرت دور می‌گردند و اصل اساسی در مرد این است که بر زن خشونت نمی‌کند، برای لذت بردن از آن یا این که طبیعت او نسبت به نوع دیگر بدخواهی باشد، اما مصرف مواد مخدر سهم زیادی در ارتکاب خشونت و جنایت با زنان و دبیگران دارد.

الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

[روم: 21]

ترجمه: و یکی از نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) الله (سبحانه و تعالی) این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هر یک را شیفته و دل‌باخته دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید و پیوند زندگی انسان‌ها و تعادل جسمانی و روحانی آن‌ها برقرار و محفوظ باشد). مسلماً در این (امور) نشانه‌ها و دلایلی (بر عظمت و قدرت الله سبحانه و تعالی) است برای افرادی که (درباره پدیده‌های جهان و آفریده‌های یزدان) می‌اندیشند.

عبارت "لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا" دلیل قاطع شرعی است که اصل اساسی این است که مرد به آرامش و محبت می‌رسد؛ زمانی که در کنار خانم خود قرار دارد و برعکس آن نیز چنین است. در نتیجه، نفرت، تحقیر و بدی را جزء اصلی انسان قرار دادن، با آنچه الله متعال درباره فطرت و طبیعت انسان به ما گفته است منافات دارد. به این ترتیب، خطر مفاهیمی که توافق نامه استانبول بر اساس آن‌ها بنا شده و میزان تناقض آن با اسلام را نشان می‌دهد.

#توافق نامه استانبول_جنایت است

#امضا_را_متوقف_كنيد

نويسنده: استاد زينة الصامت

مترجم: احمد صادق امين